

بررسی چالش‌های گذشته، حال و آینده، در هنگام مطالعه مقوله امنیت ملی جمهوری اسلامی همواره حائز اهمیت بسیار بوده است. مقاله پیش رو سعی دارد با روشی استراتژیک زاویه جدیدی از امنیت ملی کشور را مورد بازخوانی قرار دهد. از دیدگاه مؤلف، مواجهه با تهدیدات فرهنگی مستلزم تغییر ساختار نظام امنیت ملی و نگاهی مجدد به جایگاه فرهنگ در این ساختار می‌باشد. توجه شما را به مطالعه این رویکرد نوین جلب می‌کنیم.

امنیت، در لغت به حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و آمادگی جهت رویارویی با آنها اطلاق می‌شود.¹ معمولاً در علوم سیاسی و حقوق، امنیت به پنج بخش: امنیت فردی، اجتماعی، ملی، بین‌المللی و امنیت جمعی (Collective Security) تقسیم می‌شود.

امنیت ملی، که در این گفتار به آن خواهیم پرداخت به حالتی اطلاق می‌شود که در آن هر ملتی فارغ از تهدید تعرض به تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر می‌برد.²

از این منظر، بررسی ساختار امنیت ملی یکی از موضوعات بین‌رشته‌ای³ به شمار می‌رود که تاکنون در کشورمان تحقیقات قابل توجه‌ای درباره آن صورت نگرفته است. بدون تردید، ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مستمراً با چالش‌ها و تهدیدات مخاطره‌آمیز مواجه بوده و از این لحاظ، همواره تعریف و تأمین امنیت ملی، موضوعی حائز اهمیت در نظر گرفته شده است.

واقعیت تلخ آن است که، تاکنون در مجامع داخلی هیچ تعریفی از امنیت ملی که مورد توافق همگان باشد، ارائه نشده و طی این سالها، عمدتاً این مقوله در چارچوب ملاحظات نظامی و انتظامی مورد توجه بوده است. این در حالی است که مطمئناً می‌توان تعریف‌های دقیقی با در نظر گرفتن ابعاد امنیت ملی از آن ارائه کرد به نحوی که تمرکز مسئولیت حراست از امنیت کشور، صرفاً بر روی نیروهای نظامی و امنیتی قرار نگیرد.

به عبارت دیگر، باید تعریفی از امنیت ملی ارائه کرد که سهم اندیشه و فرهنگ در آن به صورت دقیق مشخص شده باشد. البته تلاش‌هایی از این دست در برخی کشورهای توسعه یافته جهت ارائه تعریفی جامع از امنیت انجام پذیرفته است. برای مثال، دانشکده دفاع ملی کانادا امنیت ملی را چنین تعریف می‌کند: «امنیت ملی، حفاظت از شیوه پذیرفته شده زندگی مردم است که با نیازها و آرمانهای مشروع دیگران نیز سازگار می‌باشد. امنیت، شامل فارغ‌بودن از حمله نظامی یا فشار، آزادی از انهدام داخلی و رهایی از زوال ارزشهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که برای نحوه زندگی، اساسی است.»⁴

اما درخصوص انقلاب اسلامی باید گفت این حرکت که تحقیقاً بیشتر یک انقلاب فرهنگی است، همواره از همین زاویه فکری - فرهنگی نیز مورد تهدید واقع شده است. این تهدید به ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی روند فزاینده‌ای به خود گرفته است. همچنین شواهد گویای این مهم است که انقلاب اسلامی در دهه آینده و به ویژه با ظهور نسل‌های جدید، با چالش‌های فکری - فرهنگی جدی‌تری مواجه خواهد بود که این وضعیت صرف‌نظر از تأثیر پروسه ارتباطات و اطلاعات جهانی بر آن، عمدتاً با مقاصد شیطن‌آمیز، از سوی شبکه‌های مخالف خارجی و داخلی طرح‌ریزی گردیده است.

بنابراین می‌توان تعریف تازه‌ای از طرح امنیت ملی ارائه کرد که شامل موقعیت خاص کشورمان نیز باشد: طرحی که منابع و امکانات مادی و معنوی کشور را به منظور حفظ، حراست و ترویج منافع ملی، ارزشهای انقلاب اسلامی و فرهنگ ملی و دینی، بسیج و سازماندهی می‌کند. طبعاً این طرح باید مبتنی بر اصولی روشن و مجاب‌کننده باشد تا بتواند به



مثابه نیرویی هدایت‌کننده در بخش‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کشور، عمل کند. هنگامی که این اصول شناخته شدند، باید از آنها نه تنها در جهت مشخص کردن اولویت‌های منافع ملی، بلکه علاوه بر آن همچون شیوه‌ای جهت تصمیم‌گیری درخصوص چگونگی حفاظت از این منافع در برابر تهدیدات معین نیز بهره جست.

هدف از طراحی شیوه مذکور، انضباط و قدرت بخشیدن به این تصمیم است که در جمهوری اسلامی، چگونه، کجا و تحت چه شرایطی باید امکانات مختلف را به کار بست؟

این کوتاه نوشته، بدون انگیزه سنجش قدرت ملی در حوزه فرهنگ و با پیش‌فرض قرارداد اولویت‌مند بودن این دیدگاه در امنیت ملی کشور، درصدد نگاهی راهبردی به امنیت ملی از زاویه فرهنگ است.

1. علل بی‌سهم‌ماندن فرهنگ در امنیت ملی:

به نظر می‌رسد، در کشور ما تاکنون مفهوم امنیت ملی با تحولات جهانی رشد نیافته و همچنان در قالب رویکردهای سنتی مطرح می‌شود. وقتی سخن از دانش امنیت ملی به میان می‌آید، تصور بر این است که باید آن را صرفاً در مراکز و دانشکده‌های نظامی و امنیتی جستجو کرد. متأسفانه در مراکز تصمیم‌گیری فرهنگی و حتی مجامع عالی امنیتی، نگاه فرهنگی به امنیت از جایگاهی شایسته‌ای در ساختار نظام امنیت ملی کشور برخوردار نیست. صرف‌نظر از این واقعیت تماس و برخورد غیرفرهنگی با مقوله‌های فرهنگی، موضوعی است که همواره کشور ما را در برابر تهدیداتی از این نوع آسیب‌پذیر ساخته است. این معضل علاوه بر فقدان اعتقاد به وجود تهدید جدی فرهنگی، در فرضی خوش‌بینانه، به خلأ برآورد ملی از تهدیدات و خطرات فرهنگی باز می‌گردد. بنابراین، باید پذیرفت که فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در این زاویه، می‌بایست با نگاهی کاملاً تخصصی توأم باشد و قطعاً نمی‌توان با فرمول‌ها یا نسخه‌های نظامی و امنیتی [به معنای متعارف در ایران] با تهدیدات فرهنگی مقابله‌ای مؤثر کرد. بر این اساس، شش ضعف اساسی ذیل در حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، قابل توجه می‌باشد:

- 1- فقدان اعتقاد به وجود تهدید امنیتی جدید از زاویه فرهنگی (فقدان درک دقیق از مفهوم و مراتب تهاجم فرهنگی)
- 2- عدم توجه به فرهنگ در تعریف امنیت ملی به جهت رشد نامتوازن این مفهوم همگام با تحولات جهانی.
- 3- فقدان برآورد ملی از مخاطرات و ترسیم ابعاد و دامنه تهدیدات فرهنگی.
- 4- عدم مواجهه تخصصی با مقولات فرهنگی در حوزه امنیت ملی (جمع‌آوری اطلاعات، پردازش، تئوری‌سازی، تعیین استراتژی، تاکتیک، برنامه و اجراء).
- 5- فقدان قدرت و اقتدار در متولیان و هماهنگ‌کننده‌گان فعال امور فرهنگی.
- 6- عدم گسترش دانش امنیت بیرون از دایره عناصر نظامی و امنیتی (فقدان مشارکت‌پذیری در تأمین امنیت ملی).

2. لزوم برخورداری از دانش عملیاتی استراتژیک⁵

بی‌تردید امروزه در فضای انقلاب اطلاعاتی، امنیت ملی رابطه تنگاتنگی با فناوری اطلاعات دارد. دارندگان این فناوری، در صورتیکه از دانش عملیاتی استراتژیک نیز برخوردار باشند، همواره از قدرت برتر در تأمین امنیت ملی بهره‌مند می‌شوند. تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران، پس از تعریف دقیق دامنه امنیت ملی، اطلاعات و داده‌ها را جهت تصمیم‌گیری و اقدام، سازماندهی و تنظیم می‌کنند.⁶ نباید فراموش کرد که این مرحله، یعنی ورود و سازماندهی اطلاعات یک عملیات رشته‌ای و بعضاً بین‌رشته‌ای است که می‌بایست کاملاً در فضای تخصصی مرتبط با آن انجام گیرد؛ چرا که در غیر این صورت اطلاعات و داده‌ها فاقد ارزش خواهند بود. پس از این مرحله، نوبت به پردازش اطلاعات



می‌رسد. این پردازش، محور تعیین‌کننده‌ای در مراحل پیشینی برای اتخاذ یک تصمیم صحیح و به موقع قلمداد می‌شود. معمولاً پردازش سطحی و کم‌عمق که از جامع‌نگری نیز بی‌بهره است، تصمیم‌گیرنده‌گان را با اشتباهات فاحشی مواجهه می‌کند.

دانش عملیاتی استراتژیک، در واقع طراحان امنیت ملی کشور را با فرایند صحیح عملیات در حوزه امنیت ملی و شیوه‌های مقابله با چالش‌های حال و آینده بیشتر آشنا می‌سازد.

با این وجود این دانش در کشور ما عمر بسیار کوتاهی دارد و فارغ‌التحصیلان این رشته کم‌تعداد و اغلب فاقد تجربه کافی می‌باشند، لذا تقویت این رشته، به‌ویژه توسعه آن در مقوله فرهنگ و عناصر فرهنگی، بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

3- گام‌های نخست در تدوین برنامه استراتژیک:

علاوه بر تلاش‌های گسترده و مهمی که باید به منظور رفع نقایص و کاستی‌های موجود و جهت مقابله با تهدیدات کنونی یا در حال ظهور علیه کشور در حوزه فرهنگ انجام شود، می‌بایست چهار اقدام مقدماتی، به مثابه گام‌های نخست برای تهیه یک برنامه استراتژیک در حوزه فرهنگ پیش‌بینی شود. نباید فراموش کنیم که متأسفانه هنوز استراتژی‌های قابل قبولی برای مواجهه صحیح و به موقع با چالش‌های فرهنگی در کشور وجود ندارد و طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی دستگاه‌های مختلف کشور، اغلب غیرمنسجم، ناهماهنگ و حتی بعضاً متناقض و ضدامنیت ملی می‌نماید. در هر حال، این چهار اقدام اصلی عبارتند از: ارزیابی امکانات و قابلیت‌های فکری - فرهنگی بالفعل و بالقوه، شناسایی منابع و شناخت روش‌ها و انتخاب ابزارها.

در طی این مطالعه، اولاً؛ نقاط ضعف و قوت به‌ویژه در بخش منابع آشکار خواهد شد، ثانیاً؛ کارایی و کارآمدی روش‌ها و ابزارها نیز مشخص شده و ما را به سوی تهیه طرحی جهت ایجاد قابلیت‌های متناسب با سطوح تهدید و اقدام رهنمون خواهد ساخت. باید توجه داشت که پیش از قابلیت‌افزایی و به عبارتی تقویت پی‌ساختها، ورود عجولانه به صحنه عملیات در خوش‌بینانه‌ترین نگرش، تأثیرات مقطعی و در نگاهی واقعیت‌انگارانه، پیامدهایی مخربی در پی خواهد داشت.

4. سهم بودجه امنیت ملی در حوزه فرهنگ:

علاوه بر ضرورت سازماندهی و اولویت‌بندی بودجه فرهنگی کشور در طرح جامع امنیت ملی، می‌بایست دو نگرش سنتی موجود در بودجه نیز مورد بازخوانی قرار گیرند. یک: آیا بودجه دفاعی کشور، باید صرفاً شامل فعالیت‌های نظامی شود؟ دو: آیا بودجه فرهنگی در حوزه دفاع ملی، می‌بایست لزوماً در فضای نظامی و امنیتی [به معنای متعارف در ایران] تعریف و مصرف گردد؟ برای روشن‌تر شدن دو نگرش فوق، لازم است توضیح مختصری ارائه شود. فرض کنید تمام فعالیت‌های نظامی و انتظامی کشور در مسیر برقراری ثبات، امنیت و اقتدار ملی است. حال اگر معتقد باشیم که ثبات و امنیت کشور به صورت تدریجی و پنهان از زاویه فرهنگی در معرض تهدید جدی است، آیا حاضریم ده درصد از بودجه دفاعی کشور را صرف امور دفاعی یا بازدارنده در عرصه فرهنگی کنیم؟ حال اگر قرار شد، این بودجه به این امر اختصاص یابد، کجا، توسط چه بخشی و چگونه باید توزیع و مصرف گردد. برای مثال آیا باید نیروهای نظامی مبادرت به ایجاد بخش‌های فرهنگی کنند؟ و یا دفاع و بازدارندگی در این عرصه، می‌بایست در یک محیط غیرفرهنگی طراحی و اجرا شود؟ به نظر می‌رسد، یکی از فوائد تهیه طرح جامع امنیت ملی، مشخص شدن سهم واقعی هر بخش در این طرح و نیز اصلاح نگرش‌های سنتی به مقوله امنیت است که نهایتاً می‌تواند ما را به یک تصمیم‌گیری صحیح رهنمون سازد.



5. ضرورت تحول در دکترین استراتژی امنیتی:

در موقعیت تهاجم فرهنگی، دفاع تنها گزینه برای مقابله قلمداد می‌شود ولی در درازمدت، دفاع به تنهایی قادر به مقابله مؤثر با گسترش عمیق تهدیدات نیست. صرف‌نظر از اینکه انفعال نوعی قرارگرفتن در موضع ضعف می‌باشد مدافعین را از جهت روحیه نیز تدریجاً دچار ضعف خواهد کرد. لذا بهترین مواجهه با تهدیدات فرهنگی، دفاع در کنار اتخاذ موضعی فعال است که ما از آن به اقدامات بازدارنده با هدف ایجاد مصونیت نام می‌بریم. برای طراحی و شکل‌گیری سلسله اقدامات بازدارنده، تقویت ورودی و پردازش اطلاعات با انگیزه گمانه‌زنی درباره آینده کاملاً ضروری است. مجدداً باید یادآور شد که گمانه‌زنی درباره آینده یک پروژه پژوهشی است که باید در حوزه تخصصی مرتبط و از سوی متخصصان همان رشته صورت گیرد. ذیلاً به دو نمونه از اقدامات بازدارنده مؤثر اشاره خواهد شد که می‌تواند از جایگاهی ویژه در ساختار نظام امنیت ملی کشور برخوردار گردد.

تولید علم و نظریه‌پردازی:

موضوع ضرورت ایجاد «جنبش» تولید علم و نظریه‌پردازی که نخستین‌بار نزدیک به دو سال و اندی پیش، از سوی رهبر معظم انقلاب، مطرح و پیگیری شد، می‌تواند یک استراتژی بازدارنده و پیشرو در حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد.

امروز عمده رقابت‌های قدرتهای جهانی از طریق تولید و عرضه علم و فناوری صورت می‌گیرد و برخورداری از علم و فناوری یکی از امتیازات اساسی در این رقابتها محسوب می‌شود. اما باید توجه داشت که موضوع تولید علم، فناوری و نظریه‌پردازی، صرفاً در حوزه علوم طبیعی، فنی و علوم مشابه محدود نمی‌شود، بلکه به صورت هم‌عرض و بلکه با مراتبی حائز اولویت، در حوزه علوم انسانی نیز متبلور می‌گردد. در این میان، در کشور ما به اقتضای اهداف انقلاب اسلامی و نوع تهدیدات گذشته و پیش رو، طراحی و تئوری‌پردازی در علوم انسانی و دین‌پژوهی از اهمیت خاصی برخوردار است. تولید علم و نظریه‌پردازی در کشور ما در حالی به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود که: 1- قابلیت و پتانسیل آن در ایران به ویژه در زمینه نیروی انسانی مستعد و با انگیزه، در حد قابل توجه‌ای وجود دارد. 2- تولید علم و نظریه‌پردازی به سرعت کشور را در حوزه علوم تجربی و اندیشه‌سازی از موضع انفعال خارج و در موضع فعال قرار خواهد داد. 3- بسیاری از تهدیدات جهانی علیه ایران خنثی و یا کمرنگ خواهد شد. 4- به تدریج بسیاری از محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی علیه کشور مرتفع خواهد شد. 5- ایران در مواجهه با پروژه جهانی‌شدن، ضمن حفظ استقلال، قدرت رقابت و بازیگری بیشتری خواهد داشت. 6- انقلاب اسلامی ایران از جهت فکری، قدرت رهبری مطلق جهان اسلام را به صورت دو چندان به دست خواهد آورد. 7- بسیاری از منازعات سیاسی بی‌ثمر داخلی در مسیر جنبش تولید علم به سمت سازندگی، رفع معضلات اساسی و به عبارت دقیقتر همان وفاق ملی، تغییر خواهد کرد.

با وجود اهمیت موارد هفتگانه فوق، تولید علم و نظریه‌پردازی هنوز در ساختار تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ندارد و سهم مراکز پژوهشی در اولویت‌های امنیتی و بودجه امنیت ملی نزدیک به صفر است.

6. صدور انقلاب:

صدور انقلاب، یکی از استراتژیهای موفق دهه نخست انقلاب، چندی است به علل ضعف نگرش و مدیریت، در چهارراه تردید قرار گرفته و با ملاحظات یک‌سویه سیاسی، به امری حاشیه‌ای بدل گردیده است. برخی صاحب‌نظران دلیل این اُفت یا توقف را کاهش زاینده‌گی فکری در حوزه علوم انسانی کشور تفسیر کرده‌اند. اما باید گفت که این یک برداشت ناقص و ناشی از نوعی فقدان برآورد از تحولات فکری ایران طی ربع قرن اخیر است که هر چند ناکافی اما قابل توجه

می‌باشد. چه بسا تلقی اشتباه از صدور انقلاب در داخل به خاطر روش‌شناسی غیردقیق، ناکامی در برخی برنامه‌ها یا عدم ترسیم ابعاد و دامنه تأثیرگذاری انقلاب در بیرون مرزها، پیوند این مقوله با چارچوبهای سیاسی و یا اقدامات رعب‌انگیز غرب برای جلوگیری از گسترش تفکر انقلاب اسلامی در جهان، موجب عدم گسترش هدفمند این طرح شده باشد ولی در هر صورت، صدور انقلاب همچنان می‌تواند به عنوان یک استراتژی بازدارنده در مواجهه با تهدیدات بین‌المللی علیه منافع و امنیت ملی کشور در نظر گرفته شود. باید توجه داشت، بدون وجود این اعتقاد در کارگزاران فرهنگی که انقلاب اسلامی به عنوان یک قدرت برتر فکری - فرهنگی قادر به ایفای نقش اساسی در شکل‌گیری وضعیت آینده جهان خواهد بود، استراتژی صدور انقلاب، با ثمربخشی کامل همراه نخواهد بود. در پایان باید گفت که صدور انقلاب در حوزه امنیت ملی، می‌تواند فوائد ششگانه ذیل را برای کشور به همراه داشته باشد: یک: خروج کشور از انزوای تحمیلی، دو: افزایش رو به گسترش قدرت بازدارندگی امنیتی، سه: برخورداری از سهم متناسب در جهان برای جهت‌دهی به سیاستهای بین‌المللی در مسیر منافع ملی، چهار: رهبری و هدایت جهان اسلام در مسیر اهداف انقلاب اسلامی، پنج: مبارزه موثر نسبت به گسترش مرزهای جهانی‌شدن در ایران و جهان اسلام، شش: کاهش تهدیدات علیه امنیت جهان اسلام.

پی‌نوشت ها:

[1] . دانشنامه سیاسی، داریوش آشوری، ص 38.

[1] . همان، ص 39

[1] Interdisciplinary .

[1] . نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت، دکتر مهرداد میرعرب، ترجمه: دکتر عبدالقیوم سجادی، فصلنامه علوم سیاسی، ش

[1] Strategic knowledge .

6. Operational Art for the Twenty- First Century, Roc a. Myers.

